

The Islamic Revolution and Social Forces: Relying on the study of the social base of the martyrs of the Islamic Revolution in Kermanshah

Abstract:

Review and recognizing the social status of the martyrs of the Islamic Revolution and those who have been martyred and killed along the way in order to achieve the goals of the Islamic Revolution is one of the basic components in understanding the status and nature of the social forces of the Islamic Revolution. The purpose of this article is to investigate the presence of social forces and to draw the formation and composition of the social base and the role of these forces in the formation of the Islamic Revolution in Kermanshah. The main question is what was the nature of the effective social forces in the formation of the Islamic Revolution in Kermanshah and what was its composition. Findings of research based on data and statistical population of the martyrs of the Revolution have shown that the Islamic Revolution in Kermanshah has been affected by the presence and participation of two spectrums of traditional and modern social forces. Among these forces, the clergy played a leading and motivating role, but the new social forces, especially the culturists and academics, were the most active group. The method of research in this article is historical and documentary, which by adopting a descriptive-analytical method and with a historical approach, sociology and using methods of explanation and qualitative and quantitative analysis based on statistical data of the martyrs of the revolution.

Keywords: Islamic Revolution, Social Forces, Martyrs of the Revolution, Kermanshah.

انقلاب اسلامی و نیروهای اجتماعی (با تکیه بر بررسی پایگاه اجتماعی شهدای انقلاب اسلامی در

کرمانشاه)
 تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۶

روح الله بهرامی^۱

مهدی عزتی^۲

چکیده:

بررسی و شناخت پایگاه اجتماعی شهدای انقلاب اسلامی و کسانی که در مسیر برپایی اهداف انقلاب اسلامی جانبازی کرده و در این راه کشته شده‌اند یکی از مولفه‌های اساسی در شناخت پایگاه و ماهیت نیروهای اجتماعی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. هدف این نوشتار بررسی چگونگی حضور نیروهای اجتماعی و ترسیم صورتبندی و ترکیب پایگاه اجتماعی و نقش این نیروها در شکل‌گیری انقلاب اسلامی در کرمانشاه است. پرسش اصلی این است که ماهیت نیروهای اجتماعی موثر در تکوین انقلاب اسلامی در کرمانشاه چگونه بوده و چه ترکیبی داشته‌اند. یافته‌های تحقیق مبتنی بر داده‌ها و جامعه آماری شهدای انقلاب نشان داده که انقلاب اسلامی در کرمانشاه متأثر از حضور و مشارکت دو طیف نیروهای اجتماعی سنتی (روحانیون، بازاریان، کشاورزان و حاشیه نشینان) و مدرن (فرهنگیان، نظامیان، کارمندان، کارگران و کارکنان دولتی) بوده است. در میان این نیروها، روحانیون نقش رهبری و انگیزشی داشتند ولی نیروهای اجتماعی جدید به ویژه فرهنگیان و دانشگاهیان فعال‌ترین گروه بودند. روش تحقیق در این نوشتار تاریخی و اسنادی می‌باشد که با اتخاذ شیوه توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تاریخی، جامعه‌شناسی و بهره‌گیری از روش‌های تبیین و تحلیل کیفی و کمی بر اساس داده‌های آماری از شهدای انقلاب خواهد بود.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، نیروهای اجتماعی، شهدای انقلاب، کرمانشاه.

^۱دانشیار گروه تاریخ و باستانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران Dr.bahrami2009@gmail.com

^۲استادیار گروه تاریخ و باستانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران ezatimehdi@razi.ac.ir

۱. طرح و بیان مساله:

مطالعات تاریخی انقلاب اسلامی به اتخاذ نگرش‌های اجتماعی و شناخت راهکارها و روش‌های مطلوب برای فهم مبانی تاریخ اجتماعی انقلاب نیازمند است. نخبه‌گزینی، رویداد محوری و تاکید بر توصیف سیاسی پدیده انقلاب اسلامی از عوامل جدی و عمده در ضعف یا غیبت رویکرد اجتماعی در مطالعات تاریخی در تاریخ معاصر و بویژه تاریخ انقلاب و تاریخنگاری‌های محلی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. بنابراین کاربست راهکارها، روش‌ها، تجربه‌ها علمی در حوزه مطالعات تاریخ اجتماعی مبتنی بر شناخت نیروهای اجتماعی تاثیرگذار در پدیده‌های تاریخی همراه با اتخاذ نگرش‌های بنیادی و تحلیل داده‌ها در مطالعات محلی برای درک خاص‌نگاه‌های اجتماعی پدیده انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف آن امری راهگشا خواهد بود. تاریخ‌نگاری محلی انقلاب اسلامی به تناسب ویژگی‌های بومی و چند فرهنگی در مناطق مختلف ایران که نوعی تعدد و تکثر در حضور نیروهای اجتماعی اثربخش را در فرآیند شکل‌گیری و تحولات انقلاب اسلامی را پدید آورده است، سخت به اتخاذ چنین رویکردهایی نیازمند است. حال در مطالعه وضعیت و نقش نیروهای اجتماعی در انقلاب اسلامی در کرمانشاه پرسش اصلی این است که ماهیت نیروهای اجتماعی موثر در تکوین انقلاب اسلامی در کرمانشاه چگونه بوده؟ و چه ترکیبی داشته‌اند؟ به نظر می‌رسد، علی‌رغم تعارضات و تضادهای مختلف که در میان دو طیف گسترده نیروهای اجتماعی و سیاسی در محیط کرمانشاه به چشم می‌خورد غلبه با گروه‌ها و نیروهای سنتی، نیرومندی گفتمان دینی و حضور رهبران مذهبی - سیاسی و نفوذ آنها در بدنه اجتماعی جامعه بود باشد. اما انسجام و مشارکت نیروهای مختلف اجتماعی مدرن به ویژه فرهنگیان و ارتشیان در شکل‌گیری انقلاب اسلامی در کرمانشاه موثر بوده است. شناخت واکنش‌ها و رفتارهای سیاسی نیروهای اجتماعی در بستر پدیده تاریخی انقلاب اسلامی در کرمانشاه و چگونگی وقوع روند تحولات آن و شکل‌گیری مکانیسم سازگاران و وحدت بخش نیروهای اجتماعی و گروه‌ها و اقشار مختلف در انقلاب اسلامی از نکات مهمی است که با تکیه بر داده‌های برآمده از آمار شهدای انقلاب اسلامی در این پژوهش مورد واکاوی قرار گرفته و در قالب جداول و آمار ارائه و در شکل نمودارها ترسیم شده است و وابستگی آنها به طیف‌های مختلف از نیروهای اجتماعی نشان داده می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش:

تاریخنگاری اجتماعی مطالعه حیات توده‌های مردم، نیروهای اجتماعی و بررسی خاص‌نگاه اجتماعی پدیده‌ها و دگرگونی‌ها تاریخی در تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بشر بشمار می‌رود. در مطالعات تاریخ محلی بررسی پدیده‌های تاریخی در چارچوب نگرش‌های اجتماعی و جامعه‌شناسی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در این میان یکی از راهکارهای شناخت جامعه‌شناسانه نیروهای موثر در انقلابات و شناخت نقش تاریخی و جایگاه اجتماعی نیروهای کنشگری که حاضر شده‌اند برای تحقق آرمانها و ارزش‌ها و اهداف و مقاصد مورد نظر تا سر حد از جان گذشتگی فداکاری داشته باشند اهمیت والایی دارد. علی‌رغم وجود پیشینه مطالعات تاریخ اجتماعی در تاریخنگاری معاصر ایران پژوهش‌هایی جامعه‌محور و اجتماعی درباره تاریخ ایران به ویژه تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی ایران آن‌چنان شان و جایگاه شایسته‌ای پیدا نکرده است. این ضعف در عرصه مطالعات تاریخ انقلاب اسلامی به ویژه تاریخ محلی انقلاب اسلامی دوچندان است. با وجود این پژوهش‌های پراکنده‌ای

درباب ماهیت و نقش نیروهای اجتماعی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی با رویکرد جامعه‌شناسانه در قالب برخی کتب و مقالات نوشته شده که می‌توان به؛ کتاب زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران نوشته حسین بشیریه (۱۳۹۷)؛ کتاب اقصای اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (۱۳۹۱)؛ مقاله‌ی «تبیین جامعه‌شناختی نقش نیروهای اجتماعی و اقتصادی در وقوع انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه به رسمیت‌شناسی هونت» (محمدی، ۱۳۹۴: ۱۱۵-۱۴۸)؛ مقاله‌ی «تأثیر دستگاه معرفتی نیروهای اجتماعی بر مانایی انقلاب اسلامی ایران» (خواجه سروی، ۱۳۹۳: ۸۹-۱۰۸)؛ و مقاله‌ی «تحلیلی بر تبیین‌های اجتماعی انقلاب اسلامی ایران» (قجری، ۱۳۹۹: ۶۳-۸۰) اشاره کرد. اما با توجه به ماهیت چند فرهنگی و چند شهری‌گری انقلاب اسلامی ایران تا کنون موضوع نقش نیروهای اجتماعی در انقلاب اسلامی به صورت موردی و محلی در تاریخنگاری اجتماعی انقلاب اسلامی مورد توجه جدی قرار نگرفته است. لذا در مطالعات تاریخ محلی انقلاب اسلامی بررسی پدیده‌های تاریخ انقلاب در چارچوب روش‌ها و نگرش‌های اجتماعی و جامعه‌شناختی برای فهم ماهیت نیروهای اجتماعی در تاریخ انقلاب اسلامی بویژه در تاریخنگاری محلی شهرهای مختلف از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در زمینه تاریخنگاری انقلاب اسلامی و نیروهای اجتماعی در کرمانشاه هم پیشینه پژوهشی مستقلی وجود ندارد. کتاب انقلاب اسلامی در کرمانشاه نوشته روح‌اله بهرامی تنها اثر تحقیقاتی درباره چگونگی رخداد انقلاب اسلامی در کرمانشاه است که در این نوشتار به مباحث و مطالب آن استناد شده است.

۳. چهارچوب نظری:

تبیین‌های گوناگونی در زمینه علل وقوع انقلاب اسلامی ایران صورت گرفته است. یکی از مهمترین تبیین‌ها، تبیین اجتماعی و نقش نیروهای اجتماعی در وقوع انقلاب اسلامی می‌باشد. براساس همین رویکرد، آراء و نظریه‌های متعددی در موضوع ماهیت نیروهای اجتماعی و نقش آنها در وقوع انقلاب اسلامی ایران از سوی اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی انقلاب مطرح شده است که در زیر به مهمترین آنها خواهیم پرداخت.

یکی از نظریه پردازان مطرح در حوزه تبیین انقلاب‌ها تدا اسکاچپل^۱ است. ایشان در مقاله «دولت تحصیل‌دار و اسلام شیعی در انقلاب ایران» به بررسی نیروهای اجتماعی و نقش آنها در شکل‌گیری انقلاب ایران پرداخته است. به باور ایشان نوسازی تحمیلی از سوی قدرت‌های خارجی در ایران به نارضایتی نیروهای اجتماعی شهری و روستایی منجر گردید. اسکاچپل بر نقش گروه‌های شهری به ویژه بازاریان که هسته مرکزی حیات شهری بودند و به جهت پیوند و ارتباط ناگسستنی که با نیروهای سنتی (روحانیون و روستائیان) و نیز نیروهای اجتماعی جدید (طبقه متوسط جدید) داشتند، تاکید دارد. به نظر ایشان از یک سوی، سیاست‌های نوسازی جدید از جمله سیاست اصلاحات و واردات موجب فشار و آسیب به بازاریان شد و نارضایتی آنها را از دولت در پی داشت. از طرف دیگر، سیاست اصلاحات ارضی نیز طبقه سنتی اشراف زمیندار را از بین برد و سبب نارضایتی روستائیان شد. بنابراین، ائتلافی از نیروهای اجتماعی شهری شامل تجار، روحانیون، کسبه شهری، دانشجویان و کارگران شهری بر حول محور اسلام شیعی در مقابل رژیم شاه شکل گرفت که منجر به وقوع انقلاب ایران شد (SKOCPOL, 1982 : 256-283).

1. Theda , Skopol

یروئلند آبراهامیان مورخ ایرانی الاصل در کتاب «ایران بین دو انقلاب» نیروهای اجتماعی را به گروه‌های قومی و طبقات اجتماعی تقسیم می‌کند و به تاثیر شرایط اقتصادی و توسعه ناهمگون ایران در نتیجه‌ی نوسازی اقتصادی رژیم شاه بر نارضایتی نیروهای اجتماعی مدرن و سنتی اشاره می‌کند. از دیدگاه وی، گسترش این نارضایتی‌ها موجب شکاف بین دولت و ائتلاف نیروهای اجتماعی مدرن و سنتی با محوریت ایدئولوژی‌های رایج شد. در این اثناء، بحران اقتصادی ناشی از کاهش درآمدهای نفتی در سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، تورم اقتصاد داخلی باعث نارضایتی بازاریان سنتی ایران شد و به دلیل نفوذ اجتماعی آنها و پیوندشان با روحانیون سقوط شاه را رغم زدند (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۵۵، بی‌بعد).

احمد اشرف محقق دیگر است که به اثرگذاری ائتلاف بازاریان و روحانیون (نیروهای اجتماعی سنتی) در شکل‌گیری انقلاب اسلامی اصرار دارد. ایشان بر این مدعاست که عقاید مذهبی و گرایش‌های سنتی بازاریان، مقتضیات سیاسی و پیوندهای اقتصادی میان روحانیون و بازاریان باعث همگرایی این دو نیروی اجتماعی گردیده و اتحاد «بازار و مسجد» نیروی محرکه تمامی جنبش‌های ناراضی معاصر ایران از جمله انقلاب اسلامی ۵۷ بوده است (اشرف و بنوعیزی، ۱۲۷: ۱۳۸۷؛ ashraf, 1997).

حسین بشیریه در کتاب «زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران» عواملی چون بحران اقتصادی، مهاجرت گسترده، احساس محرومیت و انتظارات فزاینده، غربی شدن و عوامل بین‌المللی و بحران‌های مربوط به توسعه را در بروز انقلاب اسلامی دخیل می‌داند. وی اعتقاد دارد که عوامل مذکور موجب شد که از یک سو نیروهای اجتماعی سنتی یعنی روحانیون و بورژوازی بازار در معرض تهدید و آسیب قرار بگیرند و از سوی دیگر نیروهای اجتماعی مدرن یا همان طبقه متوسط جدید در اثر فراز و فرودهای اقتصادی دهه پنجاه دچار محرومیت و انتظارات فزاینده شده و به نیروهای سنتی نزدیک شده و علیه رژیم شاه قیام کردند (بشیریه، ۱۳۹۴).

بنابر نظر جان فوران در کتاب «مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران»، الگوی توسعه وابستگی و سرکوب جامعه توسط دولت در تعامل با نظام جهانی موجب جابجایی شدید اقتصادی و سرکوب سیاسی نیروهای اجتماعی متعدد روحانیون، بازرگانان و پیشه‌وران بازار، روشنفکران، دانشجویان، نیروهای حاشیه شهر، دهقانان و عشایر شد. بر اساس این مدعا، با وجود بحران‌های ناشی از توسعه وابستگی و ظهور ایدئولوژی‌های گوناگون و به طور خاص اسلام شیعی امام خمینی امکان همگرایی و اتحاد گسترده‌ای از نیروهای اجتماعی مختلف در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شکل گرفت و رژیم شاه را ساقط کردند (فوران، ۱۳۹۹: ۵۳۶، بی‌بعد). با بررسی نظریه‌های فوق‌الذکر به نظر می‌رسد دیدگاه فوران دارای رویکرد تاریخی، جامعیت و سازگار با واقعیات‌های اجتماعی ایران می‌باشد، با ترکیب نیروهای اجتماعی موجود در کرمانشاه در آستانه انقلاب ایران بیشتر منطبق باشد. به ویژه اینکه فوران در کنار توجه به نقش نیروهای سنتی و جدید بر جایگاه و نقش نیروهای اجتماعی حاشیه‌ای، دهقانان و عشایر (البته اینان نیز جزوه نیروهای سنتی بودند) نیز تاکید کرده است.

۴. رویکرد روش‌شناسی و تاریخنگاری اجتماعی:

تاریخنگاری سنتی در ایران و غلبه رویکرد اثبات‌گرا و سند محور متأثر از تفکر پوزیتیویستی و رانکه‌ای تاریخ‌نگاران در تاریخ معاصر ایران جهت‌گیری‌های تاریخی را همواره به سمت و سوی تاریخ سلسله‌ها، پادشاهان، امراء، نخبگان و تاریخ شخصیت محور و نخبگانی سوق داده است. این گونه تاریخ‌نگاری به تعبیر هابسبام در واقع

کمتر به عرصه سیاسی توجه جدی ندارد بلکه بیشتر توجه اش را به عرصه اجتماعی معطوف می‌کند (hobsbawm.199: 95). این رویکرد در باب تاریخ اجتماعی، قدرت توده‌های مردم و نیروهای اجتماعی چیز زیادی خلق نکرده و تا حدودی آنها را به فراموشی سپرده است. وقوع دو انقلاب سیاسی - اجتماعی در تاریخ معاصر ایران و مشارکت اقشار و گروه‌های اجتماعی بر آمده از شرایط سنتی و مدرن این گروهها و اقشار و نقش موثر آنها در تکوین جنبش‌های اجتماعی تا حدودی آنها را در قالب نیروهای اجتماعی برکشید و زمینه توجه جدی به تاریخ اجتماعی و بررسی نقش توده‌ها و نیروهای اجتماعی را در قالب نگرش‌های نوین به تاریخ تحولات جامعه ایرانی را فراهم ساخت. چنانکه مورخانی چون احمد کسروی در تاریخ‌نگاری خویش از انقلاب مشروطیت ایران بیشتر تمایل داشت که تاریخ افراد گمنام و بی شکوه را به نگارش درآورد و به تعبیر خویش این کسان گمنام و بی شکوه را آفرینندگان و صاحبان اصلی انقلاب مشروطه می‌دانست (کسروی، ۱۳۶۳: ۱، ۴). علی‌رغم همگرایی تاریخ و جامعه‌شناسی در دو عرصه اجتماعی و سیاسی که نقشی موثری در فهم قدرت نیروهای اجتماعی بوجود آورد. اما همچنان این شاخه از تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی در تاریخ و جامعه ایرانی بویژه در زمینه شناخت تحولات تاریخی و اجتماعی انقلاب اسلامی کاری جدی انجام نداده است. یکی از این زمینه‌ها و بسترهای تاریخی مهم در تاریخ انقلاب اسلامی، بررسی تاریخ و چگونگی مشارکت نیروهای اجتماعی حاضر در این رویداد عظیم است. بررسی نقش تاریخ دین‌نشیان، حاشیه‌نشیان و تهیدستان شهری، جوامع و گروه‌های مختلف نظیر بازاریان، پیشه‌وران، تجار، روحانیون، فرهنگیان و توده‌های مردم و فهم تبدیل قدرت این گروهها و اقشار به نیروهای اجتماعی موثر در حوادث و میزان نقش و اثر بخشی آنها در رویدادی مثل انقلاب اسلامی صرفاً با رویکرد حوادث محور، نخبه‌گرایی به تاریخ و یا رویکرد لندی‌شبه‌گرایی صرف به تاریخ قلیل فهم، تبیین و بررسی نیست. لذا در اینجا با اتخاذ رویکرد مشترک تاریخی و جامعه‌شناختی و بهره بردن از داده‌های تاریخ انقلاب اسلامی در شهر کرمانشاه به بررسی و تبیین نقش نیروهای اجتماعی موثر در وقوع انقلاب اسلامی در این منطقه پرداخته‌ایم و اساس کار را بر میزان حضور اینارگرایانه گروهها و اقشاری قرار داده‌ایم که جان خود را در راه آرمانها و خواسته‌های انقلاب اسلامی فدا کرده‌اند. بنابراین، بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی و آماری شهدای انقلاب اسلامی در کرمانشاه هدف اساسی و رسالت این پژوهش بوده است که با بخدمت گرفتن روش‌های ترکیبی در روش‌شناسی تاریخ اجتماعی مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است (فربرن، ۱۳۹۴: ۳-۴؛ موسی پور بشلی و...، ۱۳۹۴: ۱۷۵-۱۷۹).

۵. تأسیس حوزه علمیه و مدرسه آیت الله بروجردی مبداء شروع فعالیت‌های مبارزاتی روحانیون در کرمانشاه:

تأسیس مدرسه و حوزه علمیه آیت‌الله بروجردی، مهاجرت و اقامت عده‌ای از علمای بزرگ و طلاب علوم دینی را در کرمانشاه در پی داشت و فعالیت گسترده این حوزه دینی سرآغاز تحول مهمی در جامعه مذهبی این شهر بود. می‌توان گفت این حوزه از جمله کانون‌های سرنوشت‌ساز در شکل‌گیری انقلاب اسلامی در کرمانشاه محسوب می‌شود. یکی از علمای برجسته‌ای که پس از تأسیس مدرسه آیت‌الله بروجردی در کرمانشاه اقامت گزیدند، آیت‌الله اشرفی اصفهانی بود که به عنوان نماینده ایشان در آنجا ماندگار شدند. پس از رحلت آیت‌الله بروجردی و تثبیت مرجعیت امام خمینی، ایشان از سوی امام هم‌چنان به عنوان نماینده مرجعیت در کرمانشاه ماندند (اشرفی اصفهانی، بی‌تا: ۲۱). از دهه ۴۰ در کرمانشاه علماء و روحانیون مبارز فعالیت‌های خود را در جهت تأکید بر مرجعیت امام خمینی و حمایت از مبارزات ایشان سوق دادند و شاگردان و علاقمندان به مشی سیاسی - اعتقادی امام خمینی حلقه‌ی نیرومند از یاران امام را در کرمانشاه بوجود آورد که از سردمداران و رهبران مذهبی دینی

انقلاب اسلامی ایران در کرمانشاه شدند. از جمله مشهورترین این حلقه یاران امام عبارت بودند از: آیت‌الله عبدالجلیل جلیلی، حاج آقا عطاءالله اشرفی اصفهانی، آیت‌الله بهاءالدین عراقی، آیت‌الله حاج جواد خسروشاهی، آیت‌الله شیخ محمدرضا کاظمی، آیت‌الله حاج شیخ آقا ضیاءالدین فیض مهدوی، آیت‌الله آقاسید محمد میبدی، آقا شیخ محمدمباقر محمدی عراقی، آیت‌الله حاج شیخ مجتبی روشن معروف به حاج‌آخوند، آیت‌الله حاج سیدمرتضی نجومی، حجت‌الاسلام حاج آقا حسین زرنندی و... (بهرامی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۵۴۳ب.ع). بنابراین، نفوذ و تعالیم مذهبی از طریق کانون‌های علمی و مساجد و سازمانهای دینی و سیاسی مذهبی در میان تجار، بازاریان، اصناف و پیشه‌وران و سایر طبقات متوسط شهری گسترش یافت و زمینه مساعدی را برای همگرایی نیروهای مذکور با مبارزات روحانیت و نیروهای متمایل به جریانهای سیاسی-مذهبی با حمایت از حرکت‌ها و مبارزات روحانیت را فراهم ساخت.

۶. گسترش مبارزات و نقش هدایتگرانه نیروهای مذهبی (روحانیون) در کرمانشاه:

با گسترش فعالیت‌های مذهبی، مخالفت نیروهای مذهبی و گروه‌های هوادار حاج‌آقا روح‌الله خمینی با دولت و حاکمیت سیاسی، این گروه‌ها نیز به بسط حوزه فعالیت تبلیغی و ترویجی خود در حمایت از نهضت دینی ادامه دادند و روز به روز به تعداد وعاظ و روحانیون مخالف که سعی می‌کردند در منابر مذهبی مردم را به سوی هواداری از آیت‌الله خمینی سوق دهند، افزوده می‌شد. گسترش روز افزون سخنرانان مخالف و هوادار آیت‌الله خمینی پس از تبعید به حدی رسید که برای حاکمیت راهی به جز برخورد، تهدید و تبعید آنان نبود. تعداد سخنرانان مذهبی که به تقلید از آیت‌الله خمینی در منابر و مجالس مذهبی بی‌محابا به رژیم و سیاست‌های وی حمله می‌کردند، ابتدا از انگلستان دست‌فراتر نمی‌رفت، ولی با مخالفت رو به تزاید روحانیت با شاه و دولت در سراسر شهرها، ایالات و ولایات پراکنده شدند و در اجتماعات مذهبی هر شهر، روحانیون محلی از وعاظ معروف و خطبای مشهور و مخالف رژیم دعوت می‌کردند تا ضمن برگزاری سخنرانی در مساجد و حسینیه‌ها با پیوند دادن مسائل سیاسی و اجتماعی به سخنرانی‌هایشان، صدای اعتراض خود را بلند کنند و در آگاهی بخشیدن به مردم تلاش نمایند. استفاده از منابر دور از محل سکونت، ترک محل سخنرانی در میان انبوه مستعان و مسافرت‌های پی‌در پی سخنرانان، ساواک را مستأصل کرده بود. تنها حربه‌ی جدی برای برخورد با این سخنرانان مذهبی تهدید و ممنوع‌المنبر کردن آنان بود. از سوی دیگر، ممنوع‌المنبر شدن باعث می‌شد مستمعان خطیب و واعظ مذکور، شور و شوق مضاعفی برای شنیدن سخنانش داشته باشند و محبوبیت وی افزایش می‌یافت. از این رو، ممنوعیت و ممنوع‌المنبر شدن نتیجه‌ای معکوس داشت و رغبت مردم را به دنبال داشت و مردم شهرها و مناطق مختلف ترجیح می‌دادند از روحانیون ممنوع‌المنبر دعوت کنند تا در محافل و مجالس آنان به سخنرانی بپردازند. مسافرت وعاظ و روحانیون مبارز به کرمانشاه، هم به دلیل فعالیت گسترده‌ی عده‌ای از مبارزان هوادار حضرت آیت‌الله خمینی بود که در کرمانشاه سکونت داشتند و مدام از وعاظ دعوت می‌کردند و هم به دلیل موقعیت آن شهر در نزدیکی عتبات عالیات و حوزه عراق که محل سکونت و تبعید امام خمینی و گذرگاه و اقامتگاه موقت مسافران، طلاب و وعاظی بود که قصد زیارت و تحصیل داشتند. از مهمترین و مشهورترین چهره‌های مذهبی که به کرمانشاه مسافرت کردند م‌توان به حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی، حجت‌الاسلام حاج محمد تقی فلسفی، شیخ محمد یزدی، سید علی اکبر محتشمی و سید عبدالکریم هاشمی نژاد اشاره کرد (بهرامی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۶۴۲).

بنابر آنچه گفته شد، نیروهای مذهبی و روحانیون در شکل‌گیری نهضت انقلاب اسلامی در کرمانشاه نقش اساسی و بنیادین ایفا کردند. بر اساس اسناد و مدارک تصویری (مکاتبات، عکس‌ها و ویدئوها) اینان در صف اول تظاهرات و راهپیمایی ضد رژیم شاه قرار داشتند. هرچند به دلیل نفوذ فراوان آنها در میان مردم، دستگاه سرکوبگر رژیم جرأت تعرض و آسیب زدن به این قشر را نداشت و همین امر باعث شده که نامی از آنها در میان شهداء انقلاب کرمانشاه نباشد، ولی بسیاری از آنها زندانی و شکنجه شدند. یکی از شاخص‌های مهم برای تعیین میزان نقش گروه‌ها و اقشار و طبقات اجتماعی در انقلاب‌ها بررسی شعارها، سخنرانی‌ها و درخواست‌های اصیل انقلابیون است که بررسی آنها می‌تواند شاخصی برای تعیین مطالبات و پایگاه اجتماعی و طبقاتی این نیروها باشد و دیگری شهداء و کشته‌های انقلاب است. کسانی که در حرکت‌ها و مبارزات انقلابی و در جریان روند حوادث انقلاب به شهادت رسیده و جان خود را در راه آرمان‌های انقلاب فدا کرده‌اند بررسی شخصیت، جایگاه و پایگاه اجتماعی آنها برای تحلیل نقش این افراد و پایگاه اجتماعی مردم انقلابی بسیار ارزشمند است. در اینجا بر اساس شخصیت‌های این که در راه انقلاب اسلامی جان خود را فدا کرده و به شهادت رسیده‌اند به نقش نیروهای اجتماعی و اقشار و اشخاص وابسته به این نیروها و پایگاه اجتماعی آنها خواهیم پرداخت.

۷. بازاریان، اصناف، تجار (نیروهای اجتماعی سنتی):

ارتباط و پیوند میان بازاریان و روحانیت در جامعه ایران ریشه‌های عمیق تاریخی دارد. اما در دوره پهلوی و با آغاز سیاست‌های نوسازی به شیوه غربی توسط رضا شاه روابط میان این دو نهاد اجتماعی سنتی شکل جدی‌تری به خود گرفت. بازار به عنوان نهادی سنتی نقش مهمی از لحاظ مالی و اقتصادی و نیز سیاسی در جریان این دوره ایفا کرد؛ از لحاظ سیاسی موقعیت بازار و جمعیت آن نقش مهمی در شکل‌گیری تظاهرات مردمی داشت، زیرا بازاریان ارتباط مستقیمی با اقشار مختلف جامعه و مردم داشتند و هرگاه اتفاقی می‌افتاد، بازار بسته و تعطیل می‌شد و در مساجد تجمع می‌کردند. معمولاً در کنار تمام بازارها مساجدی بنا شده بود و این امر در اکثر شهرهای ایران وجود داشت. مساجد پایگاه تبلیغ اندیشه‌های مذهبی روحانیون و مخاطبان آنها عمدتاً بازاریان بودند. بنابراین، اعتراض روحانیون موجب اعلام نارضایتی بازاریان از سیاست‌های رژیم پهلوی می‌شد و پیامد آن تعطیلی بازار و بستن مغازه‌ها بود. این امر به نوبه خود باعث نارضایتی اکثر مردم، تجمع بازاریان و مردم عادی در مساجد و در مرحله بعد منجر به تظاهرات خیابانی می‌شد (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۲۹۵).

اتحاد و همدلی بازاریان با روحانیون و مراجع مذهبی پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تداوم و نمود بیشتری یافت. به همین خاطر بود که در همان روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بازاریان، اصناف و کسبه در تهران در مسجد شاه اجتماع کرده و اقدام به تظاهرات کردند. با ملحق شدن دیگر هیئت‌های بازار به آنان، آنها خواهان آزادی امام خمینی و سایر علما شدند. شبیه همین اعتراضات و تظاهرات در شهرهای بزرگ ایران از جمله کرمانشاه نیز رخ داد. براساس اسناد و مدارکی که از سوی ساواک، شهربانی و استانداری کرمانشاه به نخست‌وزیر وقت ارسال شده بود، اصناف و بازاریان کرمانشاه در ماجرای ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و حوادث پس از آن دست به اقدامات مختلفی زدند و دستگیری آیت الله خمینی واکنش‌هایی در میان کسبه و بازاریان در پی داشت (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده پانزده خرداد، تلگرام ۲۲۰۰ مورخه ۳/۱۷ ساواک کرمانشاه به مرکز، شماره ۲۵/۵۴ و ۱۲۵/۵۶).

جدول اسامی شهدای بازاری و اصناف شهری انقلاب اسلامی در کرمانشاه^۱

ردیف	نام	نام خانوادگی	شغل	تاریخ شهادت	محل شهادت
۱	جعفر	صالح آبادی	بقال	۱۳۵۷/۷/۱۵	کرمانشاه
۲	رضا	نادری	میوه فروش	۱۳۵۷/۸/۸	سرپل ذهاب
۳	اسماعیل	کاکایی	لوازم تحریری	۱۳۵۷/۵/۲۷	سنقر
۴	عبدالله	نجاری	قناد	۱۳۵۷/۹/۱۰	سنقر
۵	جمشید	نوری	خیاط	۱۳۵۷/۶/۶	...
۶	هاشم	نارکوب	مکانیک	۱۳۵۷/۵/۲۸	آبادان
۷	بساط	اسدی	میوه فروش	۱۳۵۷/۱۱/۱۲	کرمانشاه

۸. دانشگاهیان، فرهنگیان، دانشجویان و دانش‌آموزان (نیروهای اجتماعی مدرن)

یکی از مؤثرترین گروه‌ها و اقشار اجتماعی که در پیشبرد نهضت انقلاب اسلامی نقش مهمی ایفا کردند و از همان روزهای آغازین نهضت، پنهان و آشکارا در جهت مبارزه و روشنگری گام برداشتند و نیز در آگاه کردن نسل جوان و نوجوان با انقلاب اسلامی پیشتاز بودند، قشر فرهیخته و فرهنگی جامعه یعنی اساتید دانشگاه، معلمان، دانشجویان و دانش‌آموزان بودند (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۱۹-۵۵). نظر به اینکه بخش زیادی از این گروه را معلمان و دانش‌آموزان در دوره مبارزات انقلابی تشکیل می‌دادند و مراکز دانشگاهی در استان کرمانشاه هنوز آن چنان توسعه و گسترش نیافته بود، به همین خاطر سهم و نقش گروه اول یعنی معلمان و دانش‌آموزان چشمگیر تر به نظر می‌رسید. معلمان و دانش‌آموزان با ایجاد کانون‌ها و محافل صنفی، جلسات مخفی و بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی در صف مقدم مبارزه با رژیم ستم شاهی قرار داشتند. معلمان کرمانشاه با وجود فشار سازمانها و ادارات امنیتی و انتظامی تکاپوهای فکری- تبلیغاتی- سیاسی وسیعی برای بیداری مردم به ویژه دانش‌آموزان مدارس و دبیرستان های کرمانشاه انجام دادند. آنچنانکه سیل عظیم این جمعیت پس از مدت کوتاهی رهسپار

^۱ . آمار شهدای انقلاب اسلامی از آرشیو پرونده‌های شهدای انقلاب اسلامی کرمانشاه در بنیاد شهید استان کرمانشاه اخذ شده است.

خیابان‌های شهر می‌شد و خواسته‌های بحق خود را در تجمعات اعتراضی اظهار می‌کردند. از نیمه دوم شهریور ۱۳۵۷ بعد آموزش و پرورش کرمانشاه، کارمندان آن، معلمان و دانش‌آموزان از عناصر عمده تشکیل دهنده و از جمله هسته‌های مهم ناآرامی و تظاهرات در کرمانشاه و شهرهای تابعه آن استان بودند. کانون معلمان که در پی اعتصابات گسترده معلمان کرمانشاه تأسیس شد، مرکزیت مهمی در انسجام مبارزات ضد حکومتی فرهنگیان کرمانشاه به شمار می‌رفت.

جدول اسامی شهدای فرهنگی، دانش‌آموزی و دانشگاهی انقلاب اسلامی در کرمانشاه^۱

ردیف	نام	نام خانوادگی	تحصیلات	تاریخ شهادت	محل شهادت	شغل
۱	محمد	ابراهیمی	دیپلم	۱۳۵۷/۱۱/۱۶	کرمانشاه	معلم
۲	محمدرضا	اعظمی گیلانی	دیپلم	۱۳۵۷/۱۱/۲۶	گیلانغرب	معلم
۳	نصراله	خورشیدی	دیپلم	۱۳۵۷/۱۱/۲۳	سنقر	معلم (سپاه دانش)
۴	علیرضا	شاهمرادی	دیپلم	۱۳۵۷/۱۰/۱۰	کرمانشاه	معلم
۵	محمدرضا	کلاتری	-	۱۳۵۷/۰۲/۱۱	کرمانشاه	معلم
۶	حضر تقلی	امیری		۱۳۵۷/۱۰/۱۰	کرمانشاه	معلم
۷	محمدرضا	هوشدار	دیپلم	۱۳۵۷/۷/۸	پاوه	دانش‌آموز
۸	سیروس	اسفندیاری	متوسطه	۱۳۵۷/۷/۱۱	کرمانشاه	دانش‌آموز
۹	علی	انصاری رودسری	-	۱۳۵۷/۹/۲۲	کرمانشاه	دانش‌آموز
۱۰	علی اکبر	پاکبر	...	۱۳۵۷/۱۰/۸	سنقر	دانش‌آموز
۱۱	ابراهیم	پروانه وار	...	۱۳۵۷/۱۰/۷	سنقر	دانش‌آموز
۱۲	ابوالحسن	توسلی	..	۱۳۵۷/۱۰/۱۷	کرمانشاه	دانش‌آموز
۱۳	مجتبی	جعفری	...	۱۳۵۷/۷/۱۱	کرمانشاه	دانش‌آموز
۱۴	صیفور	چابک	..	۱۳۵۷/۱۰/۱۰	کرمانشاه	دانش‌آموز
۱۵	سهراب	حیدری	...	۱۳۵۷/۱۰/۱۱	کرمانشاه	دانش‌آموز
۱۶	حمید	سالاری	...	۱۳۵۷/۷/۲۷	سنقر	دانش‌آموز
۱۷	ایرج	رستمی	...	۱۳۵۷/۸/۸	سرپل ذهاب	دانش‌آموز
۱۸	غلامرضا	سلیمانی گهره	...	۱۳۵۷/۱۰/۱۲	کرمانشاه	دانش‌آموز
۱۹	غلامحسین	عبداللهی	...	۱۳۵۷/۱۱/۱۸	کرمانشاه	دانش‌آموز
۲۰	معروف	فتاحی	...	۱۳۵۷/۸/۸	پاوه	دانش‌آموز

۱ - آمار شهدای انقلاب اسلامی از آرشیو پرونده‌های شهدای انقلاب اسلامی کرمانشاه در بنیاد شهید استان کرمانشاه اخذ شده است.

ردیف	نام	نام خانوادگی	شغل	تاریخ شهادت	محل شهادت
۱	حسین	اشک تلخ	ارتشی (نیروی هوایی)	۱۳۵۷/۱۲/۲۹	سنندج
۲	امیر	اشک تلخ	ارتشی	۱۳۵۷/۱۲/۱۲	سنندج
۳	جلال	خادمی	سرباز	۱۳۵۷/۱۱/۲۳	سنقر
۴	کرمعلی	شریفی گلدره	ارتشی (هوا نیروز)	۱۳۵۷/۱۱/۲۱	کرمانشاه
۵	علی اصغر	عباس طه‌نه	ارتشی	۱۳۵۷/۱۱/۲۳	جهرم
۶	حسین	فراز	رئیس شهربانی سنقر	۱۳۵۷/۱۱/۲۳	سنقر
۷	محمد	قمری	ارتشی (بازنشسته)	۱۳۵۷/۱۱/؟	کرمانشاه
۸	مرتضی	لطفی	ارتشی (نیروی دریایی)	تهران
۹	کیومرث	مرادی جبارآبادی	ارتشی (هوانیروز)	۱۳۵۷/۸/۶	کرمانشاه
۱۰	یوسفعلی	ممتازی قوره تپه	ارتشی	۱۳۵۷/۱۱/۲۶	تبریز
۱۱	خسرو	ناظری	ارتشی	۱۳۵۷/۹/۲۱	کرمانشاه
۱۲	منوچهر	صفری	سرباز	۱۳۵۷/۱۲/۲۸	سنندج

۱۰. کارکنان ادارات و کارخانه‌های دولتی (نیروهای اجتماعی مدرن):

از اقبال مهم و حیاتی کشور در دوره پهلوی قشر کارمندان و کارکنان بخش‌های مختلف نهادها، ارگان‌ها و ادارات دولتی بودند. این امر به دلیل گسترش تشکیلات اداری و نظام بروکراسی در سده اخیر به وقوع پیوست و لذا جزو نیروهای اجتماعی مدرن و جدید بودند. شریان حیاتی حاکمیت در دست این دسته از اعضای جامعه قرار داشت و با مختل شدن آن کل نظام حاکمیتی دچار بحران می‌گردید. از سوی دیگر به دلیل اینکه این افراد دارای تحصیلات و مدارج علمی بودند و به خوبی از شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه وقوف داشتند. به همین خاطر، کارمندان و کارکنان عمدتاً از ماهیت نظام استبدادی و فاسد پهلوی آگاهی داشتند. مهمترین ابزار و وسیله برای نشان دادن مخالفت با حاکمیت پهلوی توسط کارمندان و کارکنان، اعتصاب و دست کشیدن از کار بود. بنابراین هرچه به زمان وقوع انقلاب در بهمن ۵۷ نزدیکتر می‌شد دامنه اعتراضات و اعتصابات در سازمان‌ها، صنایع و کارخانه‌ها گسترش زیادی پیدا می‌کرد. یکی از پر دامنه‌ترین اعتصابات در سراسر کشور مربوط به اعتصاب کارکنان صنعت نفت بود. این کار به دلیل قطع درآمدهای رژیم پهلوی ضربه مهلکی محسوب می‌شد. امام خمینی اهمیت این مسئله را به خوبی درک کرده و در پیامی از اعتصاب کارکنان صنعت نفت حمایت و پشتیبانی کردند (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۲۲۵)

در کرمانشاه نیز به مثابه بسیاری از شهرهای دیگر و به خاطر وجود نهادها، ادارات، ارگان‌ها، سازمان‌ها و صنایع بزرگ و کوچک، شاهد اعتراضات و اعتصابات گسترده کارکنان و کارمندان بود. ادارات، سازمان‌ها و صنایع دولتی که در کرمانشاه به طور گسترده دست به اعتصاب می‌زدند عبارت بودند از: اداره بهداشتی و بهزیستی

^۱ . آمار شهدای انقلاب اسلامی از آرشیو پرونده‌های شهدای انقلاب اسلامی کرمانشاه در بنیاد شهید استان کرمانشاه اخذ شده است.

کرمانشاه، شرکت برق منطقه ای غرب، شرکت نفت و پالایشگاه نفت، کارکنان دانشگاه رازی، مرکز علمی و فنی، کارمندان آموزش و پرورش، کارکنان اداره دارایی، کارکنان سازمان تعاون امور روستایی، کارکنان اداره کل پست و... (روزنامه کیهان، شماره ۱۰۵۸۵، ص ۲۳؛ روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۷۳۲، ص ۲۰؛ همان، شماره ۱۵۷۳۰، ص ۱۸).

جدول اسامی شهدای کارکنان و کامندان ادارات و کارخانجات دولتی انقلاب اسلامی در کرمانشاه^۱

ردیف	نام	نام خانوادگی	شغل	تاریخ شهادت	محل شهادت
۱	مهدی	حری	کارمند شهرداری	۱۳۵۷/۱۰/۱۵	کرمانشاه
۲	امیر منصور	شاهرضایی	کارمند شرکت برق	۱۳۵۷/۱۱/۲۹	سنندج
۳	مرتضی	شریفی لرستانی	کارمند اداره هواشناسی	۱۳۵۷/۱۱/۱۶
۴	غلامحسین	شکیبایی	کارمند وزارت نفت	نامعلوم	کرمانشاه
۵	جعفر	قاسمی	کارمند بهداری	۱۳۵۷/۱۰/۱۰	کرمانشاه
۶	فتح الله	گلبداغی	کارمند شرکت نفت	۱۳۵۷/۱۰/۱۳	کرمانشاه
۷	علی اشرف	سلیمی	کارگر شرکت نفت	۱۳۵۷/۱۰/۱۰	کرمانشاه
۸	احمد	رضاپور	کارگر شرکت نفت	۱۳۵۷/۱۰/۱۰	کرمانشاه

۱۱. کشاورزان و کارگران (نیروهای اجتماعی سنتی) و انقلاب اسلامی کرمانشاه:

یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری نارضایتی‌های اجتماعی و شروع نهضت انقلاب مردم ایران طرح اصلاحات ارضی محمدرضاشاه پهلوی در سال ۱۳۴۲ بود. گرچه این طرح ظاهری مناسب و در جهت منافع رعایا و کشاورزان به شمار می‌رفت، اما به دلیل فقدان امکانات، شرایط ناهمگون و نحوه اجرای آن، آثار و پیامدهای بسیار منفی نصیب ساختار سنتی کشاورزی ایران کرد. از همین رو، نتایج آن هم برای ملاکین و نیز برای رعایا و کشاورزان نامطلوب و زیانبار بود. زیرا نظام سنتی ارباب-رعیتی به طور کلی از هم گسیخت، کشاورزی مختل گردید، کشاورزان زیر بار اقساط و بدهی‌هایی که بایستی بابت زمین‌های دریافتی پرداخت می‌کردند، زمین گیر شدند. از سوی دیگر، ملاکین نیز زمین‌های خود را می‌فروختند و چندان رغبتی در به کارگیری سرمایه‌ها برای سرمایه‌گذاری و تأسیس صنایع انجام نمی‌دادند (Najmabadi, 1987). بدین ترتیب، نظام زراعی ایران وضعیتی بسیار رقت بار پیدا کرد. دهقانان و رعایا و کارگران ناتوان بدون امکان بهره‌گیری در مکانیزاسیون، در عرصه حیات اقتصاد زراعی دچار پریشانی و نابسامانی شدند که این مسئله رکود کشاورزی و تولیدات و محصولات زراعی را در پی داشت (مومنی، ۱۳۵۹: ۴۱۳). این امر در بروز مهاجرت گسترده روستائیان و کارگران به شهرها و در نتیجه خالی شدن روستاها از سکنه نقش پررنگی داشت. بنابراین بروز این پدیده‌ها نارضایتی‌های اجتماعی را تشدید و بحران مشروعیت رژیم را نیز بیشتر و گروه‌های اجتماعی معارض رژیم پهلوی را تقویت کرد (رج ک؛ عیوضی، ۱۳۹۵؛ Bayat, 1986). با توجه به اینکه بیشتر جمعیت کرمانشاه در روستا و مناطق عشایری زندگی می‌کردند، انجام اصلاحات ارضی بخش عظیمی از حیات اقتصادی-اجتماعی این منطقه را تحت تأثیر خویش قرار داد. محمدرضا

^۱. آمار شهدای انقلاب اسلامی از آرشیو پرونده‌های شهدای انقلاب اسلامی کرمانشاه در بنیاد شهید استان کرمانشاه اخذ شده است.

شاه برای اجرای این طرح در سال ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ به کرمانشاه سفر کرد و مانورهای تبلیغاتی و سیاسی زیادی انجام داد (بهرامی، ۱۳۸۹: ص ۴۴۱-۴۳۵).

جدول اسامی شهدای کشاورز و کارگر انقلاب اسلامی در کرمانشاه^۱

ردیف	نام	نام خانوادگی	شغل	تاریخ شهادت	محل شهادت
۱	یوسف	احمدی	کشاورز- کارگر	۱۳۵۷/۱۰/۱۲	کرمانشاه
۲	مصطفی	امامی	آشپز	۱۳۵۷/۶/۹	کرمانشاه
۳	علی	خورشیدی	کشاورز	۱۳۵۷/۸/۸	پاوه
۴	باقر	عزیزی نوری	کارگر	۱۳۵۷/۱۰/۱۸	کرمانشاه
۵	کریم	کرمی قمشه	کارگر	۱۳۵۷/۱۰/۱۵	سرپل ذهاب
۶	نجم الدین	کمالی صابر	کارگر	۱۳۵۷/۱۰/۷	کرمانشاه
۷	صیدعلی	گودرزی	کشاورز- کارگر	۱۳۵۷/۱۰/۱۰	کرمانشاه
۸	اسکندر	لطفی	کشاورز- کارگر	۱۳۵۷/۱۱/۲۲	کرمانشاه
۹	حبیب الله	مرادی	کارگر	۱۳۵۷/۱۱/۲۰	تهران
۱۰	محمد رضا	مرادی	کارگر	۱۳۵۷/۱۱/۱۵	کرمانشاه
۱۱	محمد	ناصری	کشاورز	۱۳۵۷/۱۱/۱۱	کرمانشاه
۱۲	مراد	نوروزی	کارگر	۱۳۵۷/۱۱/۲۲	کرمانشاه

۱۲. زنان و مبارزات انقلابی در کرمانشاه

زنان نقش بسیار مهمی در پرورش و رشد نهضت انقلاب اسلامی ایفا کردند و دور از اغراق نیست که در مواردی نقش بیشتر و موثرتری نسبت به مردان در جریان مبارزات داشتند. اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌شود که به این نکته مهم واقف باشیم که زنان نه تنها در برخی موارد در صحنه مبارزه حضور جدی و فعال داشته و خود در حفظ خط مقدم مبارزه حضور پیدا می‌کردند، بلکه مشوق اصلی مردان و همسران خویش برای شرکت در این مبارزه به شمار می‌آمدند. از سوی دیگر، زنان نقش مهمی در تربیت فرزندان صالح برای ادامه راه و آینده نهضت اسلامی ایفا می‌کردند. در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی ناگهان نقش بانوان در پیروزی انقلاب اسلامی و قیام عظیم مردم برجستگی و عظمت چشمگیری یافت و زنان در خیابان‌ها و میادین و تظاهرات مردمی دوشادوش مردان مشارکت می‌کردند. در برخی مواقع حتی خود پیشگام و آغازگر اعتراضات و تظاهرات بودند.

^۱ . آمار شهدای انقلاب اسلامی از آرشیو پرونده‌های شهدای انقلاب اسلامی کرمانشاه در بنیاد شهید استان کرمانشاه اخذ شده است.

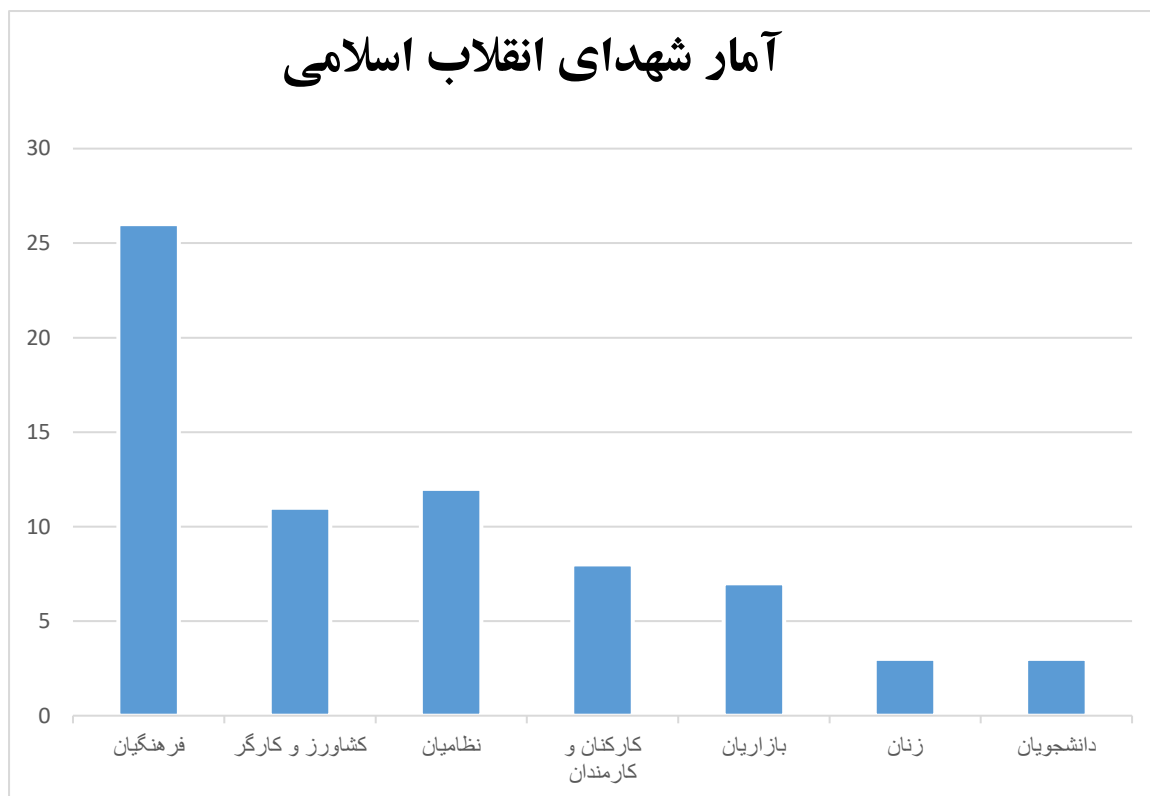
زنان غیور خطه غرب و به ویژه کرمانشاه نیز در مراحل نهضت اسلامی نقش آفرین بودند. در سال ۱۳۵۷ همزمان با بالاگرفتن تب تظاهرات و مبارزات مردمی، شیرزنان کرمانشاهی نیز در اغلب تظاهرات، اجتماعات و مجالس انقلابی حضور داشتند. نمونه بارز همراهی زنان کرمانشاه در تظاهرات روز عید فطر سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد (بهرامی، ۱۳۸۹: ص ۴۵).

جدول اسامی شهدای زنان انقلاب اسلامی در کرمانشاه^۱

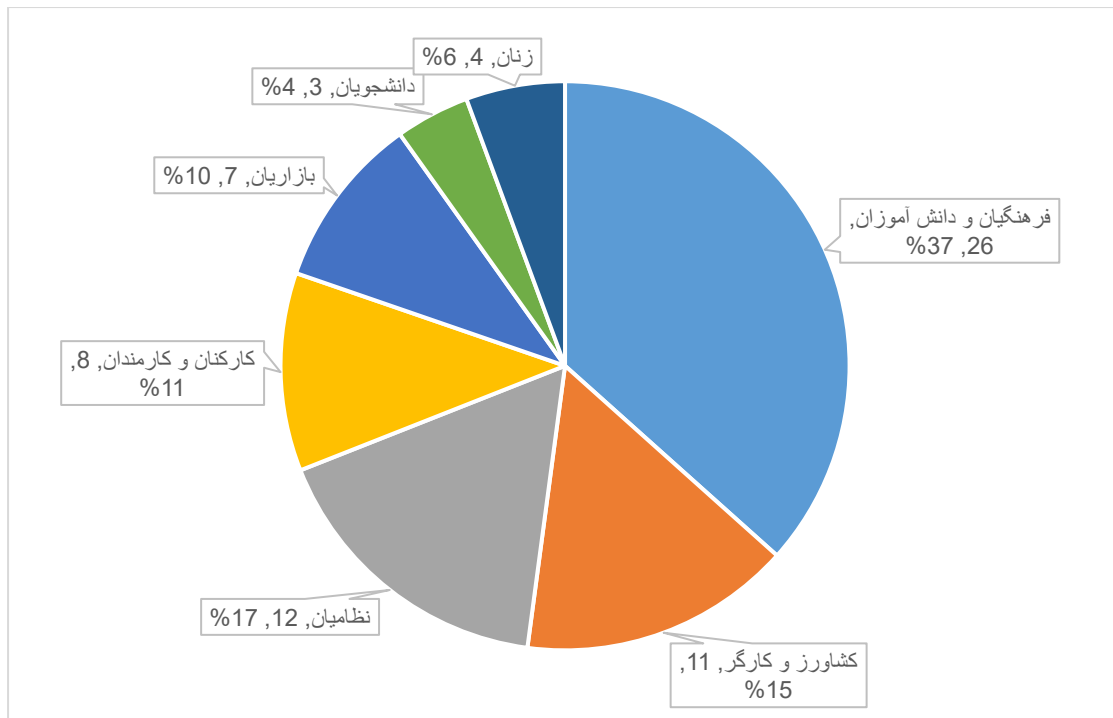
ردیف	نام	نام خانوادگی	شغل	تاریخ شهادت	محل شهادت
۱	طیبه	زمانی	دانشجو	۱۳۵۷/۱۰/۱۷	کنگاور
۲	بهناز	ترابی	دانش آموز	۱۳۵۷/۱۰/۱۷	کنگاور
۳	هاجر	بابایی	خانه دار (خیاط)	۱۳۵۷/۱۰/۱۰	کرمانشاه
۴	عصمت	محمدی	کارگر (حمام چی)	۱۳۵۷/۱۰/۱۲	کرمانشاه

^۱ . آمار شهدای انقلاب اسلامی از آرشیو پرونده‌های شهدای انقلاب اسلامی کرمانشاه در بنیاد شهید استان کرمانشاه اخذ شده است.

نمودار ستونی و آماری پایگاه اجتماعی شهدای انقلاب اسلامی کرمانشاه:



نمودار دایره‌ای و آماری پایگاه اجتماعی شهدای انقلاب اسلامی کرمانشاه:



نتیجه:

بنابراین با ارائه گزارش‌های تاریخی و تحلیل داده‌ها و آمار شهدای انقلاب اسلامی در کرمانشاه می‌توان تا حدودی ماهیت نیروهای اجتماعی حاضر در انقلاب اسلامی را آشکار ساخت. بررسی آمار شهدای انقلاب اسلامی مشارکت و همگرایی دو طیف مختلف از نیروهای سنتی و مدرن در قالب گروه‌های مختلف شهری، روستایی و عشایری در تکوین و تحولات منجر به پیروزی انقلاب اسلامی کرمانشاه را نشان می‌دهد. بر این اساس، می‌توان گفت در روند حوادث انقلاب اسلامی که به رهبری روحانیون، علما و کانون‌های فرهنگی و دینی در کرمانشاه روی داده، نیروهای سنتی- مذهبی (روحانیون) نقش مهمی در رهبری، هدایت و حمایت توده‌ها و نیروهای اجتماعی داشته‌اند. پس از روحانیون، معلمان، فرهنگیان، دانشگاهیان، دانشجویان و دانش آموزان بیشترین سهم در آگاه کردن مردم و همچنین مشارکت در مبارزات اجتماعی علیه رژیم شاه دارا بوده‌اند. این قشر فرهیخته و تحصیل کرده جامعه در نتیجه مدرن‌سازی نهادهای آموزشی برخاسته و جزو نیروهای اجتماعی جدید و مدرن بودند. همچنان که از بررسی آمار شهدای انقلاب برمی‌آید، شهدای کانون‌های فرهنگی و مذهبی اعم از معلم، دانش‌آموز و دانشجو مجموعاً ۴۷ درصد و تقریباً نیمی از مجموع شهدای انقلاب اسلامی در کرمانشاه را شامل می‌شدند. جالب آنکه نیروهای نظامی بر اساس داده‌های تحقیق با ۱۷ درصد و تقدیم ۱۲ شهید در ردیف دوم نیروهای اجتماعی قرار دارند. این امر نشان می‌دهد که علی‌رغم وابستگی و نظارت‌های شدید رژیم، مبانی مذهبی و تبلیغی انقلاب اسلامی به طور گسترده‌ای در این قشر رسوخ پیدا کرده بود. کشاورزان، عشایر و کارگران از لایحه‌های مستضعف، محروم و سنتی کرمانشاه بودند که به طور عمده از سوی خان‌ها و زمینداران بزرگ به استثمار

کشیده شده بودند. علی‌رغم تلاش حاکمیت پهلوی برای اجرای برنامه‌های نمایشی در تحقق عدالت اجتماعی در روستاها به ویژه با اجرای ناقص اصلاحات ارضی بسیاری از کشاورزان زمین‌های مرغوب خود را از دست داده و با مهاجرت و حاشیه نشینی در شهر در محلات فقیر و حاشیه شهر سکنی گزیدند. این طیف در مبارزات انقلابی انگیزه‌ای مضاعف داشتند و با ۱۵ درصد از شهدای انقلاب نقش زیادی در تحقق انقلاب اسلامی ایفا کرده‌اند. این اقشار حاشیه را بایستی در قالب نیروهای اجتماعی سنتی به حساب آورد که در نواحی حاشیه شهر و با احساس محرومیت اجتماعی در کنار نیروهای سنتی به میدان آمده‌اند. کارکنان و کارمندان دولتی با ۱۱٪، بازاریان ۷٪ و زنان با ۶٪ از مهمترین نیروهای فعال در مبارزات انقلاب اسلامی در کرمانشاه بودند. این نیروها وابسته به طبقه متوسط شهری بودند.

منابع:

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴): *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران نشرنی.
- آرشیو پرونده‌های شهدای انقلاب اسلامی کرمانشاه، بنیاد شهید انقلاب اسلامی کرمانشاه.
- آرشیو ریاست جمهوری، *بایگانی اسناد نخست وزیری*، پرونده شماره ۱۲۶۴۷
- اشرف، احمد و علی بنوعزیزی (۱۳۸۷): *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران نیلوفر
- اعظمی پور، برومند (۱۳۹۳): *پایتخت فراموش شده قوم کرد*، تهران، سپند مینو.
- بشیریه حسین (۱۳۹۴): *زمینه های اجتماعی انقلاب ایران*، ترجمه علی اردستانی، تهران، نگاه معاصر.
- بهرامی روح الله (۱۳۹۰): *انقلاب اسلامی در کرمانشاه*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خمینی روح الله (۱۳۹۱): *اقشار اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تبیان آثار موضوعی (دفترسی و هفتم) تدوین: محمدرضا طالبان، عباس پورجانی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.

خواجه سروی، غلامرضا و احمدی وحیده (۱۳۹۳): «تاثیر دستگاه معرفتی نیروهای اجتماعی بر مانایی انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال سوم، ش ۸.

دوانی علی (۱۳۷۶): *خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام و المسلمین فلسفی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

سلطانی، محمد علی (۱۳۸۰): *تاریخ تشیع در کرمانشاه*، تهران، نشر سها.

سمیعی کیوان (۱۳۶۳): *زندگی سردار کابلی*، تهران، کتابفروشی زوار.

محمدی یغیما (۱۳۹۴): «تبیین جامعه‌شناختی نقش نیروهای اجتماعی و اقتصادی در وقوع انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه به رسمیت شناسی هونت»، فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۷، شماره ۲.

عیوضی محمد رحیم (۱۳۹۵): *نقش کارگران در پیروزی انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

محمدی ودود، سیدحسین (۱۳۹۴): *ارتش در گذر بحران‌های انقلاب*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مؤمنی باقر (۱۳۵۹): *اصلاحات ارضی و جنگ طبقاتی در ایران*، تهران، پیوند.

مصاحبه با یکی ارتشیان زمان انقلاب در کرمانشاه، مرتضی هامانی، سرهنگ بازنشسته ارتش، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۹/۴/۱۲

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده پانزده خرداد (تلگرام ۲۲۰۰ مورخه ۳/۱۷ ساواک کرمانشاه به مرکز) شماره ۱۲۵/۵۴ و ۱۲۵/۵۶

فربرن، مایلز (۱۳۹۴): *تاریخ اجتماعی، راهبردها و روش‌ها*، تهران، انتشارات سمت.

فوران، جان (۱۳۹۹): *مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی)*، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا.

قجری حسینعلی (۱۳۹۹): «تحلیلی بر تبیین‌های اجتماعی انقلاب اسلامی ایران»، پژوهشنامه متین، ش ۸۸

قره باغی عباس (۱۳۶۸)، *اعترافات ژنرال*، تهران، نشرنی.

کسروی، احمد (۱۳۶۳): *تاریخ مشروطه ایران*، ج ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر.

خاطرات دکتر محمد اشرفی اصفهانی (بی تا)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

موسی پور بشلی، ابراهیم و... (۱۳۹۴): *تاریخ اجتماعی: دانش، روش و آموزش*، تهران، انتشارات سمت.

مرکز اسناد ریاست جمهوری، *بایگانی اسناد نخست‌وزیری قبل از انقلاب*، پرونده شماره ۲۸۱۲۰

روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳۳۳/۴/۱۱.

روزنامه کیهان، شماره ۱۰۵۸۵، ص ۲۳؛

روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۷۳۲، ص ۲۰؛ همان، شماره ۱۵۷۳۰، ص ۱۸

Ashraf, Ahmad (۱۹۹۷), Bazaar-Mosque Alliance: The Social Basis of Revolts and Revolution, Politics, Culture and Society, VOL.1, NO4, pp: 538-568.

- Assef, Bayat (1987): Workers and Revolution in Iran, Zed Books, London.

- Afsaneh, Najmabadi (1987): Land Reform and Social Change in Iran, University of Utah Press, Salt Lake City.

- Hobsbawm, Eric (1999): on history, London, Routledge.

- Skocpol, Theda (1979): State and Social Revolutions, Cambridge University Press, London.

----- (1984): Vision and method in Historical Sociology, Cambridge University Press, London

----- (1982), "Reinter State and Shia Islam in the Iranian Revolution", Theory and Society VOL11 pp: 256-283